



نامزدهای اولیه جوایز بفتا

فهرست نامزدهای اولیه جوایز آکادمی فیلم بریتانیا (بفتا) در حالی اعلام شد که «باربی» ساخته گرتا کرویگ، همراه «اوپنهایمر» به کارگردانی کریستوفر نولان و «قاتلان ماه کامل» از مارتین اسکورسیزی، توانستند هرکدام در ۱۵ شاخه نامزد دریافت کسب جایزه شوند. ایسنا ضمن اعلام این خبر به نقل از اسکرین نوشت، فهرست نامزدهای اولیه هفتاد و هشتمین دوره جوایز آکادمی فیلم بریتانیا در بخش بهترین فیلم شامل: «همه ما غریبه‌ها»، «آنانومی یک سقوط»، «باربی»، «جاماندگان»، «قاتلان ماه کامل»، «مایسترو»، «اوپنهایمر»، «زندگی‌های گذشته»، «بیچارگان» و «منطقه مورد علاقه» است. در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان نیز اسامی فیلم‌های: «۲۰ روز در ماریوبل»، «آنانومی یک سقوط»، «پسر و مرغ ماهیخوار»، «هشت کوه»، «برگ‌های افتاده»، «زندگی‌های گذشته»، «انجمن برف»، «طعم چیزها»، «اتاق معلمان» و «منطقه مورد علاقه» دیده می‌شود. فهرست نامزدهای نهایی جوایز بفتا ۲۰۲۴ نیز روز ۱۸ ژانویه (۲۸ دی‌ماه) اعلام خواهد شد.



شناسایی ۵۰۰ تارنمای توهین آمیز درباره حادثه کرمان

سرهنگ رامین پاشایی، معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتا فراجا با اشاره به اجرای طرح ضربتی بر خورد با عوامل تشویش آذهان عمومی گفت: «بر اساس رصد های صورت گرفته در راستای اجرای طرح ضربتی و عملیاتی مذکور بالغ بر ۵۰۰ تارنمای حاوی محتوای توهین آمیز به ساخت مقدس شهدا که هم‌اولی با جریانات تولید شده معاندان در خصوص حوادث تروریستی کرمان کرده بودند، احصاء شدند و تحت پایش های سایبری قرار گرفتند.» مهر ضمن اعلام این خبر نوشت، این مقام مسئول ادامه داد: «بالغ بر ۱۰۰ فقره تارنما در این خصوص با هویت معلوم در داخل کشور شناسایی شده و رسیدگی به آنها در دستور کار قرار گرفت که در این رابطه ضمن هماهنگی با مراجع قضایی و استفاده از ظرفیت سایر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی تحت اقدامات مقتضی از قبیل دستگیری، احضار، تذکر و حذف محتوای مجرمانه قرار گرفت.»



مرگ ناگهانی بازیگر «هشدار برای کبری ۱۱»

کریستین الیور، بازیگر آلمانی که برای فیلم‌های هالیوودی از جمله «مسابقه سرعت» و سریال آلمانی «هشدار برای کبری ۱۱» شناخته می‌شود، در یک سانحه هوایی در سنت وینسنت و گرنادین کشته شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر به نقل از اسکرین نوشت، پلیس سلطنتی سنت وینسنت و گرنادین اعلام کرد، این بازیگر ۵۱ ساله همراه دو دختر خردسالش و خلیان هوایما، پس از سقوط همگی جان باختند و اجساد آنها از دریا کشف شده است. گویا هوایما تک‌موتوره‌ای که این گروه در آن سفر می‌کردند، لحظاتی پس از بلندشدن به دریا سقوط کرده است. اولین حضور الیور مقابل دوربین شامل ایفای نقش طولانی مدت در سریال تلویزیونی آمریکایی دهه ۹۰ میلادی «نجات به وسیله رنگ: کلاس جدید» و سریال معروف «هشدار برای کبری ۱۱» در سال ۲۰۰۳ بود. او در سریال «هشدار برای کبری ۱۱» در نقش کارآگاه یان ریشر بازی می‌کرد.

گفت‌وگوی
فرهنگمولانا از زندگی می‌گوید
وزندگی متعلق به همه استگفت‌وگو با نهال تجدد
پژوهشگر و نویسنده
کتاب «عارف جان سوخته»
بخش نخست

عکس: ستار کاظمی، هم‌تپه‌ن

منتشر شد، با استقبال خوبی روبه‌رو شد. یکی از اتفاقات خوب زندگی من آشنایی با خانم مهستی بحرینی است که خودشان عرفان‌پژوه هستند و وقتی در ایران با ایشان آشنا شدم ابراز علاقه کردند که این کتاب را ترجمه کنند. این یک شانس برای من بود که خانم بحرینی که هم مترجم مجربی هستند، هم عرفان‌شناس، این کتاب را ترجمه کردند که ترجمه بسیار خوبی است و بارها هم تجدید چاپ شده است. **در باره زندگینامه مولانا کتاب دیگری هم به اسام «ملت عشق» توسط نویسنده ترکیه‌ای، برای مخاطب عام نوشته شده که در ایران با استقبال خوبی مواجه شده و به چاپ‌های متعدد رسیده است. بدون هیچ تعارفی نظراتان را درباره این کتاب بگویید؟**

ببینید، به نظر من «ملت عشق» یک روایت و برداشت آزاد از زندگی مولانا و رابطه او با شمس است. در واقع یک داستانی که مورد علاقه همه است. این شکل از روایت و نگارش البته نوع کار من نیست و علاقه‌ای به آن ندارم اما به عنوان یک قصه، قابل انکار نیست و نمی‌توان جلوی یک نویسنده را گرفت که با الهام از فلان موضوع نباید داستان بنویسد. در واقع «ملت عشق» کتاب زندگینامه‌ای نیست، بلکه یک رمان بر اساس زندگی اوست. به نظر من اگر عده‌ای با خواندن این کتاب به مولوی، زندگی و اندیشه او علاقه‌مند شوند و انگیزه پیدا کنند تا دنبال منابع ادبی و تاریخی درباره مولانا بروند، این کتاب و نویسنده‌اش موفق بوده است.

حالا که صحبت مولوی و مخاطب عام شد، می‌خواهم نظراتان را درباره محسن چاووشی بیرسم که برخی از اشعار مولانا را به سبک چاپ و راک خوانده است که موجب شده نسل جوانی که خیلی از آنها با مولوی و اشعارش آشنایی نداشتند، نسبت به او شناخت و علاقه پیدا کنند.

به نظر من خیلی خوب است. برای اینکه خاصیت فرهنگ ما این است که زنده است و می‌تواند مدام در رهگذر تاریخ و زمان احیا شود. من خودم صدا و سبک آقای چاووشی را خیلی دوست دارم. او این ظرفیت را دارد که بتواند مولوی و اندیشه‌هایش را در قالب موسیقی به نسل جوان منتقل کند. ضمن اینکه نشان می‌دهد این اشعار و ادبیات همچنان زنده است و می‌تواند با نسل و زیست امروز رابطه برقرار کند.

برخی هم منتقد این سبک موسیقایی هستند و معتقدند که به ابتدال و عوام‌زدگی از مولانا و عرفان منجر می‌شود.

من معتقد نیستم که مولانا صرفاً باید مختص به عرفان‌پژوهان باشد. در مناقب‌العارفین آمده که به مولانا خرده می‌گیرند که چرا دور و بر تو کفش دوز، بزاق و بقال هست اما مولانا با عموم

دوران طلایی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. همچنین هم‌دوره استاد شفیع کدکنی، احمد توسلی و روحشان شاد، خانم امیربانو کریمی بودند. به دلیل رشته تحصیلی مادرم، فارسی باستان، فارسی میانه و کتاب‌های مرجع و کهن ادبیات فارسی در خانه ما بود و مادرم مدام آنها را می‌خواند. در نتیجه من از کودکی در فضای فرهنگ و ادبیات فارسی تنفس کردم و بزرگ شدم و بر روحیه من تأثیر عمیق گذاشته است. وقتی به پاریس رفتم، می‌خواستم انتخاب کنم که در چه رشته‌ای درس بخوانم، فکر کردم که زبان چینی عجیب‌تر از فارسی باستان است و به دلیل پررمزوراز بودن‌اش، کنجکاو می‌ام را برانگیخت. من در رشته چین‌شناسی که شامل تاریخ، زبان و ادبیات چینی است دکترایم گرفتم اما خیلی بلد نیستم چینی صحبت کنم.

ضمن اینکه چین با ما مشترکات فرهنگی و تاریخی دارد، شناخت زبان و ادبیات آن هم از منظر شرق‌شناسی اهمیت دارد...

دقیقاً همینطور است. برای همین ترم من در دوره فوق لیسانس مقایسه یک متن ادبی چینی بود با شاهنامه. در دوره دکتری هم درباره مانویت در چین کار کردم. در واقع در چین‌شناسی هم باز هم ردی از فرهنگ و تمدن ایرانی را دنبال می‌کردم و به نوعی کنجکاو می‌شدم درباره چین، زبان و فرهنگ آن با تاریخ و ادبیات فارسی گره می‌خورد.

ضمن اینکه هیچ‌گاه ادبیات و عرفان ایرانی را رها نکردید و اصلاً نام شما با مولوی و عرفان هم گره می‌خورد...

این به دلیل همان محیطی بود که در کودکی و در خانه تجربه کرده بودم که با ادبیات و عرفان پیوند داشت. اصلاً به توصیه مادرم نبود که کتاب «عارف جان سوخته» را که درباره زندگی مولوی است، نوشتم؛ کتابی که بیست و چند سال پیش نوشته شده است. آن موقع باور کنید عموماً مولانا را نمی‌شناختند. آنجا اگر یک فرانسوی باسواد هم بود که تاریخ و ادبیات ایران را می‌شناخت، مثلاً خیام را می‌شناخت یا حافظ و فردوسی را، اما مولانا شناخته‌شده نبود و مثل امروز نبود که حالا او به یک چهره شناخته‌شده جهانی تبدیل شده است. در این شرایط مادرم به من توصیه کرد تا زندگینامه مولانا را برای عموم مردم بنویسم؛ نه به صورت دانشگاهی و آکادمیک برای نخبان و روشنفکران. در واقع کتاب «عارف جان سوخته» را به توصیه مادرم برای معرفی مولانا به فرانسویان نوشتم. مثلاً وقتی می‌گفتم شمس تبریزی، توضیح می‌دادم که تبریز شهری است در شمال غربی ایران. می‌خواهم بگویم مولانا، زندگی و اندیشه او در آن زمان در فرانسه ناشناخته بود. وقتی هم که کتاب

رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

با آن که نامش نهال تجدد است اما ریشه در سنت و تمدن ایرانی دارد. دلبستگی‌اش به زبان و ادبیات فارسی به ویژه عرفان را می‌توان در آثاری که تاکنون به نگارش درآورده، پیدا کرد. چنان که علقه و دلبستگی‌اش به مولانا موجب شده تا او کتاب‌های «عارف جان سوخته» و «در جستجوی مولانا» را به زبان فرانسوی بنویسد تا مولوی و اندیشه‌های او را به فرانسویان و جامعه غرب بشناساند. کتاب‌هایی که توسط مهستی بحرینی به فارسی ترجمه شده، به دلیل استقبال خوبی که از آن صورت گرفت بارها و بارها تجدید چاپ شدند. تجدد همچنین «ملکه گرسنه؛ تقویم شمس تبریزی» را به فارسی نوشته است و حالا کتاب تازه او، «ایرانی‌تر» در مدتی کوتاه به چاپ پنجم رسیده است. پدرش، رضا تجدد، نویسنده ایرانی و مادرش، مهین جهاننگلو از پیشگامان نمایشنامه‌نویسی در ایران است. «نهال تجدد» در دهه ۷۰ میلادی برای فراگیری فرهنگ و ادبیات چین به فرانسه رفت و نزد کسانی چون فرانسوا چنگ، متخصص شعر، خطاطی و نقاشی چینی به تحصیل ادبیات و فرهنگ چین پرداخت. او همچنین همسر ژان کلود کری‌یر، فیلمنامه‌نویس مشهور فرانسوی است که چند سال پیش درگذشت. تجدد در این کتاب می‌گوید، من در کنار همسر فرانسوی‌ام، ایرانی‌تر شدم و عنوان کتاب هم از این جمله آمده است. به همین بهانه با او که چند ماهی به ایران سفر کرده، به گفت‌وگو نشستیم تا از ایران و ایرانی بودن حرف بزنیم اما مگر می‌توان با نهال تجدد گفت‌وگو کرد و از مولوی سخن نگفت. بخش اول این گفت‌وگو را که اینجا می‌خوانید، بیشتر درباره دیدگاه‌های او درباره مولوی و عرفان در جهان امروز است و در بخش دوم گفت‌وگو درباره کتاب «ایرانی‌تر» صحبت کردیم که خواهید خواند.

قبل از اینکه درباره کتاب «ایرانی‌تر» حرف بزنیم، کمی از نهال تجدد بگویید. نویسنده‌ای که سال‌ها در غرب و در فرانسه زندگی می‌کند، همسر یک فیلمنامه‌نویس مشهور فرانسوی که درباره مولانا و اندیشه‌های عرفانی او پژوهش می‌کند. به نظر می‌رسد در نهال تجدد، درخت ریشه‌دار سنت هم نهفته است. باین حال شما زبان چینی خوانده‌اید. می‌دانم که یکی از دلایل آن این بوده که زبانی یاد بگیرید که مادرتان بلد نباشد. چرا؟

خب مادر من مهین جهاننگلو (تجدد)، زمانی در دانشگاه تهران دانشجوی بود که شخصیت‌هایی مثل بدیع الزمان فروزانفر، خانلری، معین و پورداوود، اساتید او بودند؛ یعنی